



# فصل چهارم

## زندگی و هدف زندگی و معناداری آن

مهسا خدایاری

دبیر مدارس استان مرکزی (منطقه نوبران)

### چکیده

پرسش از معنای زندگی، پرسشی به قدمت حیات بشر است. دغدغه معنا و دستیابی به زندگی معنادار، یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های وجودی آدمی است، به طوری که هدف زندگی، همواره از دغدغه‌های انسان به‌شمار می‌رود. در این راستا، این مقاله به بررسی هدف زندگی و معناداری آن، که در دروس سوم و چهارم کتاب دین و زندگی پایه اول دبیرستان مورد بحث قرار گرفته است، می‌پردازد و اعتقادات و اعمالی را که به جاودانگی انسان منجر می‌شود و در نهایت سعادت جامعه را به دنبال دارد، بررسی می‌نماید.

**کلیدواژه‌ها:** هدف زندگی، معنای زندگی، سعادت، زندگی جاویدان

### مقدمه

همه انسان‌های جدی، که در طلب زندگی معقول و معنادار و باارزشی هستند، در لحظه‌ای از لحظات عمرشان با این سؤالات عمیق و رازآلود مواجه می‌شوند که این همه تلاش و کوشش برای چیست؟ این همه دویدن و طلب کردن برای رسیدن به چه مقصودی است؟ آن هدف نهایی، که برای رسیدن به آن همه امور را باید تحمل کرد، کدام است؟ چه دلیل معقولی برای تحمل دردها، رنج‌ها و کاستی‌ها وجود دارد؟ چه چیزی می‌تواند این امور را بر انسان «تحمیل‌پذیر»، «شیرین» و «جذاب» سازد؟ آیا خود زندگی، فی‌نفسه، می‌تواند مطلوب بالذات باشد؟ آیا «زیستن برای

غایة الغایات است. غایت یا غایت‌هایی که ارزش ذاتی دارند و مطلوب و مقصود بالذات هستند. (علیزمانی، ۱۳۸۶)

این غایت‌ها، استعداد درونی ما را بیرون می‌کشند و ما را مجبور می‌سازند تا با تمام نیرو و توان خود نه تنها در جهت به دست آوردن آن هدف، بلکه برای کشف و به کارگیری استعدادهای بالقوه تلاش کنیم. تعیین هدف و غایت مشخص، ما را تقویت می‌کند تا در زندگی فعال و مسئول باشیم. هر چه اهداف مشخص‌تر و قابل اندازه‌گیری‌تر باشند، برای دستیابی به آن‌ها بیشتر احساس مسئولیت می‌کنیم و بیشتر می‌خواهیم تا برایش زمان و انرژی بگذاریم. از سوی دیگر، احساسات و هیجانات منفی مثل اضطراب، افسردگی، ناکامی، ترس، عصبانیت، خشم و استرس به سراغ افراد بدون جهت‌گیری و بی‌برنامه می‌روند و در نتیجه چنین افرادی معمولاً هیچ‌گاه هدف متمرکز و امیددی برای دستیابی به آن ندارند. با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان گفت یک هدف خوب باید:

۱. مشخص و خاص باشد.
۲. قابل اندازه‌گیری و سنجش باشد. با پرسیدن سؤالات «چه مقدار، چقدر و چه مدت؟» باید هدف را به صورت کمی شده بیان کنیم، تا برای مثال، در پایان سال بتوانیم بفهمیم که آیا این کار تحقق یافته است یا نه.
۳. چارچوب زمانی داشته باشد. هر چه زمان رسیدن معقول‌تر و کوتاه‌تر باشد، برای دستیابی به آن به تمرکز و تلاش بیشتری نیاز است.
۴. ارزش‌های فردی را شکوفا کند.
۵. حوزه‌های مختلف زندگی را دربرگیرد. (صاحبی، ۱۳۹۱)
۶. دستیابی به آن هدف، نایل شدن به اهداف دیگر را نیز در پی داشته باشد.

### سعادت و معنای زندگی

هدف و مقصد انسان، که شریف‌ترین آفریده‌هاست، باید امری عالی، ثابت و ماندنی، تعالی‌بخش و واقعی باشد، نه امری اعتباری یا خیالی. هیچ چیز جز حق متعال نمی‌تواند آن رفعت و عظمت، علو و واقعیت را داشته باشد که هدف و مقصد انسان قرار گیرد و مقصدش شود؛ این از آن روست که خداوند حق است و جز او هر چه خوانند باطل، و خداوند همان والای بزرگ است. (رکنی‌یزدی، ۱۳۹۱)

بنابراین، برای دستیابی به سعادت ابدی،

زیستن، امری معقول و موجه است؟ اگر چنین نیست، پس خود زندگی وسیله‌ای برای رسیدن به غایت دیگری است. ولی تمام سؤال این است که آن غایتی که زندگی را با ارزش و دارای اهمیت می‌کند، کدام است؟ (علیزمانی، ۱۳۸۶)

برای پاسخ‌گویی به این سؤالات، باید به بررسی «معنای زندگی» و «هدف زندگی» پرداخت. برخی معتقدند که برای پرداختن به معنای زندگی، باید دید زندگی چیست؟ زندگی همچون پازلی است که از اجزای مختلف تشکیل شده است. قطعات پازل اگر جدا پاره‌پاره لحاظ شوند، معنایی ندارند. برای اینکه زندگی معنا دار شود، باید سطوح مختلف زندگی و نقش خاص خود را در هر سطح بشناسیم؛ نقش خود در بُعد فردی، عبادی، اقتصادی، عاطفی، سیاسی، اجتماعی و... در این حوزه، امام علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «رحمت خدا شامل کسی است که فهمیده چرا زندگی می‌کند و چگونه باید زندگی کند» و مشمول رحمت خدا شدن یعنی قرین سعادت گشتن؛ یعنی رسیدن به هدف زندگی، آن‌گونه که شایسته مقام انسان است. دیوانی و دهقان‌پور (۱۳۹۰)

بنابراین، برای رفع «عطش وجودی»، نجات از گرداب هائل پوچی و امان یافتن از آسیب‌های بی‌شمار جسمی، ذهنی و روحی و بی‌معنایی زندگی و در واقع هدف‌مند زیستن ضروری است. با توجه به وحیانی بودن قرآن و حدیث و موثق و معتبر بودن آن‌ها، سنجش سطح هدف‌مندی با معیار علمی-دینی بجاست (قدیری و بزرگی، ۱۳۸۸)، که در این مقاله، به بررسی آن می‌پردازیم.

### تعیین هدف زندگی

هدف، یک نتیجه یا پیامد مشخص و اندازه‌پذیر (قابل اندازه‌گیری) است که فرد می‌خواهد در یک چارچوب زمانی خاص به آن دست یابد. به عبارت دیگر، هدف جهت‌گیری به سوی مقصد را هدایت می‌کند؛ مثلاً به دست آوردن یک درآمد مشخص، گرفتن یک شغل خاص، برقراری رابطه با فرد معین و... وقتی انسان به هدفی نائل می‌شود که توسط نظام ارزشی وی سوق داده شده باشد، در زندگی احساس شرف و رضایت‌مندی قلبی و ذهنی عمیق را تجربه می‌کند. (صاحبی، ۱۳۹۱)

در نگاه دینی به بحث معنای زندگی، غایت نهایی انسان باید هماهنگ با غایت خداوند باشد تا انسان به معنای زندگی دست پیدا کند. غایتی که در اینجا مورد نظر است، غایت نهایی یا

هیچ چیز جز  
حق متعال  
نمی‌تواند  
آن رفعت و  
عظمت، علو  
و واقعیت را  
داشته باشد  
که هدف و  
مقصود انسان  
قرار گیرد و  
مقصدش شود

باید به سوی خداوند متعال گام برداشت و از دل‌بستگی‌های دنیوی دوری نمود. زیرا از مجموعه‌تعبیرهای قرآن کریم در مورد زندگی مادی و مواهب آن<sup>۱</sup>، به خوبی روشن می‌شود که اسلام برای آن ارزشی ناچیز قائل است و تمایل و دل‌بستگی به آن را ناشی از حرکت‌های بی‌هدف (لعب)، هدف‌های سرگرم‌کننده (لهو)، تجمل‌پرستی (زینت)، حبّ مقام و ریاست و برتری‌جویی بر دیگران (تفاخر) و حرص و آز و افزون‌طلبی (تکاثّر) می‌شمرد و عشق به آن را سرچشمه‌انواع مظالم و گناهان می‌داند. البته، اگر این مواهب مادی تغییر جهت دهند و نردبانی برای رسیدن به اهداف الهی گردند، سرمایه‌هایی می‌شوند که خدا آن‌ها را از مؤمنان می‌خرد و بهشت جاویدان و سعادت ابدی به آن‌ها می‌بخشد: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ ... (التوبة ۱۱۱)»<sup>۲</sup> (یوسفی، ۱۳۹۰).

در این زمینه، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «در جهان زهد را پیشه کن تا باران رحمت بر تو سرازیر شود». در واقع، اولیای خدا تلاش می‌کردند دل‌بستگی‌های دنیایی را در افراد بکاهند، دوستی آخرت را در دل آنان بیفزایند و مردمان را با دل‌کنند از دنیا به سوی خدا سیر دهند، که زهد هموارکننده‌راه تربیت به سوی خداست (تجلیل و ایرانمنش، ۱۳۹۰). در نتیجه، سعادت واقعی در دستیابی به قرب الهی است. اندر آن دل که خدا حاکم و سلطان شد دیگر آن دل نشود جای کس دیگر

## نتیجه‌گیری

زندگی شبکه‌ای تنیده از افکار، عقاید، اخلاق، اعمال، تجارب، خاطرات، طرح‌ها، روابط و مناسبات اجتماعی، فرض‌ها، پیش‌فرض‌ها و مانند آن‌هاست که همه‌آن‌ها به هم پیوند خورده‌اند. زندگی طرحی واحد و پیوسته است. معناداری زندگی در گرو این طرح است. اگر شخص توانست زندگی را در یک مسیر واحد مشاهده کند، زندگی را معنادار می‌یابد (دیوانی و دهقان‌پور، ۱۳۹۰: ۲۰ و ۲۱). در نتیجه، آشفتنگی و سرگردانی انسان در جهان مدرن، ناشی از فقدان ایمان او و دست برداشتن از خدا و دین است؛ و این امر، مهم‌ترین علت رویکرد گسترده به مسئله‌معنای زندگی در دوران متأخر است (کریمی قدوسی و علیزمانی، ۱۳۹۰: ۸۹). اما آنچه واضح است، این است که همه‌ما

بالوجدان، خود را صاحب اختیار می‌دانیم و نسبت به کارهایی که انجام می‌دهیم، برای خویشتن مسئولیت قائلیم. بنابراین، هر عملی که انجام می‌دهیم، تبعات و پیامدهای آن منسوب به ما شمرده می‌شود و چون ما انسان‌ها در انتخاب راه زندگی و نوع کارهایی که انجام می‌دهیم آزادیم، پس راهیابی و سعادت یا گمراهی و شقاوت، به دست خود ما رقم می‌خورد (خالقیان، ۱۳۹۱).

در پایان، به معلمان عزیز توصیه می‌شود که معرفت حقیقی را به دانش‌آموزان عرضه نمایند تا در پی حقیقت و رفع تشنگی به دنبال سراب نروند. در اینجا مهم‌ترین عامل، خوب فکر کردن و تعقل و تدبیر است که باید آن را به فرزندان و دانش‌آموزان آموزش داد تا در سایه‌سار مکتب توحید، گرایش‌های ظلمانی، نفسانی و کاذب را دنبال نکنند. (شکباف، ۱۳۹۱)

## پی‌نوشت‌ها

۱. برای نمونه سوره‌حدید، آیه ۲۰؛ سوره‌انعام، آیه ۳۲؛ سوره‌آل عمران، آیه ۱۸۵ و سوره‌نساء، آیات ۷۷ و ۹۴.
۲. سوره‌توبه، آیه ۱۱۱.

## منابع

۱. تجلیل، جلیل و زهرا ایرانمنش، «آموزه‌های اخلاقی در متون روایی و غیرروایی»، نشریه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال سوم، شماره پانزدهم، ۱۳۹۰.
۲. خالقیان، فضل‌الله، «هدایت و اضلال الهی؛ مروری بر آیات قرآنی پیرامون هدایت یا گمراهی انسان و نقش مشیت الهی در آن»، مجله‌رشد آموزش معارف اسلامی، شماره ۸۴، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۱.
۳. دیوانی، امیر و علیرضا دهقان‌پور، «معنا و هدف زندگی از دیدگاه صدرالدین شیرازی»، مجله پژوهش‌های اخلاقی، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۹۰.
۴. رکنی یزدی، محمد مهدی، «در اندیشه فرجام حیات»، مجله مشکوة، شماره ۱۱۴، ۱۳۹۱.
۵. شکباف، شهربانو، «دام‌ها و دانه‌ها؛ دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی از دیدگاه اسلام»، مجله‌رشد آموزش معارف اسلامی، شماره ۸۴، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۱.
۶. صاحبی، علی، «اهداف من چیست؟ به دنبال چه هستم؟»، نشریه اندیشه خانواده، شماره‌های ۱۳ و ۱۴، ۱۳۹۱.
۷. علیزمانی، امیرعباس، «معنای زندگی»، مجله‌نامه حکمت، سال پنجم، شماره ۱، ۱۳۸۶.
۸. قدیری، محمدحسین و مسعود بزرگی، «بررسی رابطه هدف در زندگی با عوامل جمعیت‌شناختی (با تکیه بر اسلام)»، فصلنامه روان‌شناسی و دین، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۸۸.
۹. کریمی قدوسی، زینب و امیرعباس علیزمانی، «بررسی دیدگاه تندیس‌متر در باب خدا و معنای زندگی و نقد آن از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)»، مجله فلسفه و کلام اسلامی، سال چهل و چهارم، شماره ۱، ۱۳۹۰.
۱۰. یوسفی، مالک، «ضرب‌المثل قرآنی؛ مثل زندگی دنیا و باران»، مجله‌رشد آموزش معارف اسلامی، شماره ۸۰، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۰.